

عاشقانه‌ای از: سیمین بهبهانی

از دست من فرار مکن

دوران عشق و شور گذشت ای دل هوای یار مکن بر دوش عشق های کهن آندوه نو سوار مکن می دانمت که پیر نه ای آرام و گوشه گیر نه ای اما مرا به پیوستی از عشق شرمسار مکن خواهی هوای یار کنم در پاش گل نثار کنم جز برگ زرد نیست مرا پاییز را بهار مکن آفرین تپیدنت ز چه بود؟ چایک دویدت ز چه بود؟ پای شتاب نیست مرا از دست من فرار مکن گیرم کسی ربود تو را من باز جویمت به کجا؟ بیزارم از جلال مرا در گیر کارزار مکن! گوید دلم که «لاف مزین با من دم از خلاف مزین تو کیستی که دم بزنی دعوی به اختیار مکن!» ... در عشق، ناخداخت منم در شاعری صدات منم ای مبتلا! بلات منم ما را به کم شمار مکن! گویم: نه کمتر از تو منم در کار عاشقی که منم هر چند پیر، شیرزم تعجیل در شکار مکن یاری که دوست داشتمش با خاک واگذاشتمش اکنون مرا که آن ویم با غیر واگذاشت مکن! تبغی ز روزگار کهن جا کرده خوش به گنج من در مرگ خود مکوش و مرا ملزم به انتحار مکن!

در قلمرو شعر فارسی

حافظ شیرازی

دل گمشده

مسلمانان مرا وقتی دلی بود که با وی گفتمی هر مشکلی بود به گردابی چو می افتادم از غم به تدبیرش امید ساحلی بود دلی همدرد و یاری مصلحت بین که استظهار هر اهل دلی بود ز من ضایع شد اندر کوی جانان چه دامن گیر یارب منزلی بود برین جان پریشان رحمت اور که وقتی کاردان کاملی بود

به نام عشق

من را به غیر عشق به نامی صدا نکن غم را دوباره وارد این ماجرا نکن بیپوده پشت پا به غزلهای من نزن با خاطرات خوب من اینگونه تا نکن موهبات را ببند دلم را تکان نده در من دوباره فتنه و بلوا به پا نکن من در کنار توست اگر چشم واکنی خود را اسیر پیچ و خم جاده ها نکن بگذار شهر سرخوش زینبیت شود تنها به وصف اینها اکتفا نکن امشب برای ماندنمان استخاره کن اما به آیه های بدش اعتنا نکن...

آن دم که با تو ام

ای آنکه زنده از نفس توست جان من آن دم که با توام، همه عالم از آن من آن دم که با توام، پرم از شعر و از شراب می ریزد ابشار غزل از زبان من آن دم که با توام، سبک مثل ابرها سیمرغ کی رسد به بلند آسمان من بنگر طلوع خندهی خورشید بر لبم زان روشنی که کاشتی ای باغبان من! با تو سخن ز مهر تو گفتن چه حاجت است؟ خود خوانده‌ای به گوش من این، مهربان من

اردیبهشت ۸۷

از لابلای متون

محمدشاه قاجار سلطان درویش مسلک (بخش چهارم)

رفتار امپراطور روس با هیأت ایرانی چنان بود که گوئی با مأموران یکی از دولت های دست نشانده همجوار صحبت می کرد.

میرزاتقی خان از احضار ناصرالدین میرزا از تبریز و اعزام قهرمان میرزا به جای او چنان برآشفست که محمدشاه را «شاه حیوان» خطاب کرد!

روس ها مشوق محمدشاه در لشکر کشی به هرات بودند ولی انگلیس ها روی دست روس ها بلند شدند و به خلیج فارس نیرو فرستادند.

ناصرالدین میرزا می گوید: ما را خضارت (۱) چمن و غزارت (۲) جویبار از تنگنای حصار پسندیده تر باشد. «شاهزاده خردسال عشق به طبیعت و هوای آزاد را، که بعدها به سلیقه مهارت‌پذیری مبدل شد. ظاهرا از اوان کودکی پیدا کرده بود. ولی این تصمیم به خصوص او چه بسا از احساسات میهن پرستانه برخی همراهان نیز تأثیر پذیرفته بود. ملاقات با نیکلا تزار روسیه بسیار دوستانه بود. شاهزاده خردسال را به تالار مجاوری بردند و در آنجا به طور خصوصی بار یافت. امپراتور شاهزاده محجوب را روی زانوی خود نشاند و او را «ز و او را «رفیق قدیمی» خواند

به خنده و تبسم و سخن و تکلم تکلیف و ترغیب همی فرمود «و به نشان محبت انگشتر الماس خود را که سیمای تزار بر آن منقوش بود نیز به او بخشید. در ضمن اطمینانش داد که «عم بزرگ» یعنی خود امپراتور، در آینده همه خواست‌های وی را برآورده خواهد کرد. در گفتگو با اعضای هیأت نیز برخورد تزار خودمانی و در عین حال تفقدامیز بود، گوئی با مأموران یکی از دولت های دست نشانده همجوار صحبت می کرد. به معلم شاهزاده گفت که «تربیت و تعلیم ولیعهد را به تو می سپارم» و دست به نشانه میرزا تقی خان زد و او را «رفیق قدیمی» خواند

تهدیه و تنظیم: پژواک (به انگیزه یکصد و شصتمین سالمرگ محمدشاه قاجار - ۱۴ شهریور ۱۳۲۷ خورشیدی - برابر با ۵ سپتامبر ۱۸۴۸ میلادی)

در شماره پیش مطلب بدانجا رسید که وقتی تزار نیکلای اول امپراطور روسیه برای بازدید ایالات تسخیر شده قفقاز به ایروان رفته بود. محمدشاه ولیعهد خردسال خود ناصرالدین میرزا را در معیت هیاتی که میرزاتقی خان وزیر نظام (امیر کبیر و صدراعظم بعدی)، محمدخان زنگنه امیر نظام، عیسی خان قوآنلو دانی ولیعهد و ملا محمود نظام‌العلمای تبریزی ملاباشی ولیعهد اعضای اصلی آن بودند روانه ایروان کرد که تهنیت ملوکانه را به تزار ابلاغ کند! و در عین حال امید داشت که رضایت همسایه شمالی را در زمینه انتخاب ولیعهد نیز به دست آورد و اینک دنباله مطلب: «... هیأت ایرانی پس از ورود به اوج کلیسا، در حومه ایروان، تصمیم گرفت به جای اقامتگاهی که روس ها برای آنها در نظر گرفته بودند در چادرهای خود سکونت گزیند. خود شاهزاده نیز مؤدبانه از اقامت در ارگ شهر خودداری ورزید. وقایع نگاران درباری این عمل را ستودند و آن را یکی از نخستین علایم فهم و هوشیاری شاهزاده شمرند. لسان الملک سپهر، به سبک پر تکلف همیشگی خود، از قول

از راست به چپ:

- ۱-حرف رویاروی ۵-تکنوازی ۸-گلایتون ساز ۱۲-دم بریده ۱۳-ماه محبت و عاطفه ۱۴-موش خرما ۱۵-خدای هندی ۱۶-چروک لباس ۱۷-پول آمریکا ۱۸-گشاینده درهای بسته ۱۹-لباس آخوند ۲۰-فکر گردن حیوان ۲۵-طرفدار تغییرات اساسی ۲۹-کشور افریقای که به نسل کشی در دارفور متهم است ۳۳-مایع فراری ۳۴-خوراکی که از اسفنج تفت داده و تخم مرغ درست کنند ۳۶-بعضی ها میخاوهاند از آب هم بگیرند ۳۷-از بافتنی ها ۳۹-از آخرین نبردهای جنگ جهانی دوم که به آزادی فرانسه انجامید ۴۱-بلا است و نیز کمی و نقصان ۴۳-فلز مادر ۴۴-رودخانه‌ای با

- ۲۲-پیرامون و جوانب ۲۴-هراسان ۲۵-گونه‌ای موسیقی عامه‌پسند به معنای جنبانیدن و تکان خوردن که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی در آمریکا شکل گرفت ۲۶-پدر ترک ۲۷-پول قدیمی ۲۸-طشت کوچک ۳۰-از راجه نشین های سابق هند ۳۱-گندم آسیاب رفته ۳۳-منع کردن ۳۵-خیمه و بارگاه ۳۸-رها کردن و تسلیم شدن ۴۰-میوه‌ای سرشار از ویتامین ها و مواد مغذی مثل کلسیم، پتاسیم، فیبر و ویتامین ث که بسیار کم چربی و کم کلسترول است ۴۲-سرباز همه کاره ۴۴-حاشیه و ساحل ۴۵-کوچک و براده ۴۶-ستون دین در اسلام ۴۸-برجسته و ممتاز ۵۰-نمد مدرن ۵۱-سایبان چشم ۵۲-گرد نرم شده سولفور آهن یا سرب.

Table with 15 columns and 15 rows containing numbers 1-15 in a grid pattern.

حل جدولهای شماره پیش

Table with 15 columns and 15 rows containing letters and numbers for a crossword puzzle solution.

۲۰۴۸

کوبیدن غلات به دست می آید ۱۱-شهر صنعتی ایتالیا-مقیاس و آلت سنجش ۱۲-از روزگار در می آوردند!-از مرکبات گرامی ۱۳-یار سوزن -پرنده‌ای شکاری -افزار و آلات -ویتامین انعقاد خون ۱۴-افراط و تفریط نمی کند -روشن ضمیر ۱۵-بزرگ -بوی خوش -حیوان دست آموز و رام.

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

Table with 15 columns and 15 rows containing numbers 1-15 in a grid pattern.

درخشان و روشن ۶-کتاب ابوعلی سینا -پاکسازی فئات و نهر واحد اندازه گیری مقاومت الکتریکی ۷-سنگ گرانبها مایع حیات -پیرانی ۸-ضمیر انگلیسی -پاسبانی و کشیک -پادشاه -خیل ۹-کل و همگی -کشیدن و پاره کردن -دفتر عکس ۱۰- خالی و پوچ -تخمین و بررسی -گردی که از

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

Table with 15 columns and 15 rows containing numbers 1-15 in a grid pattern.

جدول حل

کیمیای سعادت.

از بالا به پایین:

- ۱-تعطیل بین دومجلس -تهمت زدن -نویسنده ۲-سر زدن گناه از کسی -دانشگاه معروف انگلستان ۳-تاپایدار -روش و اسلوب -از وسایل سفر -شبهه ۴-جهان و دنیا -باهوش و زرنگ -ساکن و جایگزین ۵-عالم فرشتگان

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

Table with 15 columns and 15 rows containing numbers 1-15 in a grid pattern.

- از راست به چپ: ۱-گوش دادن پنهانی به سخن دیگران ۲-سه درجه بالا رسیدن -رشته شمشیربازی -پارچه پرزدار قیمتی ۳-برهنه و لخت بی کم و کاست -اشاره -حرف انتخاب ۴-کامل کردن -تامین -بیماری زردی ۵-اشاره به دور ماده‌ای از جنس چربی که در تمام سلول های بدن وجود دارد و در ساخت دیواره‌ی سلولی و برخی هورمون ها نقش مهمی ایفا می کند -درخت زبان گنجشک ۶-اوضاع جوی در یک ناحیه -شهری در سیستان و بلوچستان ۷-آرزومندی -مادر ترک -نشانه مفعولی ۸-پیرو -پروردگار موجود سم دار -روایتگر ۹-سخن راست و بی پرده -جامه صاف کن -دانا و هوشیار ۱۰-نام قدیم گرگان -شگفت آور ۱۱-شکوه و جلال -استغنا و توانگری -حرف ندا ۱۲-هدیه‌ای به عروس -ترس و خوف -توجه کردن ۱۳-واحد سطح -شیرینی فروش -آشکار و ظاهر ۱۴-سودای ناله ۱۴-ملکوتی و عالم بالا -قطعه چینی درحاکمی -متحد و صمیمی ۱۵-دانشمند ایرانی قرن ششم صاحب